روزنامه شرق

چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ • ۱۳ شعبان ۱۴۳۸ • ۱۰ می ۲۰۱۷

سال چهاردهم • شماره ۲۸۶۰ • ۲۰صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سخنگوی دولت:

آستان قدس موظف به پرداخت مالیات است

گروه سیاست: سخنگوی دولت روز گذشته در نشست خبری خود، در واکنش به فعال‌شدن سخنگوی یکی از قوا علیه دولت، گفت: «این نیز بگذرد، اول خودم و بعد دیگران را دعوت به رعایت قانون، اخلاق و موازین شرعی می‌کنم. در این زمینه همه باید مراقبت کنیم».

صفحه ۶

ناگفته‌های ظریف از جنگ روانی علیه تیم هسته‌ای

پول بنرها از کجا آمد

گروه سیاست: این روزها برجام موضوع اصلی مناظره‌های انتخاباتی است و مواضعی خلاف واقع درباره آن اتخاذ می‌شود که جواد ظریف در گفت‌وگو با انتخاب به سؤالاتی درباره آنها پاسخ داد. مهم‌ترین نکات این گفت‌وگو را ...

صفحه ۷

دیدار حسن روحانی با طیف‌های مختلف زنان:

تبعیض جنسیتی را نمی‌پذیریم

صفحه ۳

گفت‌وگوی «شرق» با اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور

پرونده‌ام را شخم زده‌اند

ممکن است جهانگیریِ مناظره سوم، متفاوت باشد

عکس: زنوفه رستمی، شرق

صفحه ۲

تیترها

اعلام فهرست اصلاح‌طلبان برای شورای شهر

صفحه ۲

رحمت‌الله حافظی اعلام کرد

هبه قالیباف به معاونانش

صفحه ۱۷

ربنای شجریان ثبت ملی شد

صفحه ۱۷

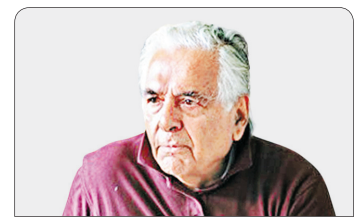

ویژه‌نامه سی‌اُمین نمایشگاه کتاب تهران

اثر تازه‌ای از ابراهیم گلستان در آستانه انتشار

گفت‌وگو با محمدرضا کاتب و روایت امیرحسن چهلتن و لیلی گلستان از وضعیت نشر و کتاب

صفحه ۹ تا ۱۲

سرمقاله

#دوباره_ایران

مهدی زارع*

تمام وقت و انرژی نگارنده در سال‌های گذشته در زمینه علم و البته عمومی‌سازی و ترویج آن به‌ویژه در زمینه تخصصی خود صرف شده است. اما در شرایط حاضر بهترین راه توسعه علمی و عقلانی کشور را در تداوم مدیریت دولت دکتر «روحانی» می‌بینم. ولی چرا به چنین نتیجه‌ای رسیدم؟

۱- ما در ایران کار علمی را با کمترین هزینه انجام می‌دهیم. برای انجام کار علاوه بر نیاز به بودجه و امکانات، به ثبات و البته امید نیاز داریم. در سال‌های قبل از دولت تدبیر و امید به چشم خود دیدم که تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان دکترای خودم که اتفاقا از بهترین‌شان هم بودند، کشور را به مقصد کشورهای پیشرفته با گرفتن شغلی مناسب ترک کردند، مهم‌ترین دلیل در کلام که آنها کشور را ترک کردند، نبودِ احساس ثبات و امید به آینده کشور بود. در چهار سال اخیر به نظر می‌رسد اگر هیچ‌چیز به طبقه تحصیل‌کرده داده نشده باشد، حداقل احساس ثبات و امید به آینده در میان بخش مهمی از آنها ایجاد شده است.

۲- دلایل مختلفی برای این خوش‌بینی به آینده وجود دارد. در موضوع برجام که بازکردن مهم‌ترین چالش بین‌المللی کشور در دهه‌های گذشته با استفاده از نیروهای زبده متخصص و دانشگاهی کشور بود، جرقه امیدی برای تقویت این دیدگاه که شاید بازنگری علمی و مدرن در عرصه‌های مرتبط با علوم انسانی، گشایشی در روابط و مناسبت‌های بین‌المللی منطقه‌ای، حتی بحران‌های منطقه‌ای مانند جنگ داخلی در سوریه باشد، زده شد.

۳- در سال‌های تحریم، این بحث در کشور بسیار مطرح شد که نگاه به درون و اتکا به نیروهای داخل، به دلیل عدم امکان خرید یا واردکردن تجهیزات و دستاوردهای علمی به کشور اولویت دارد. بخشی از این رویکرد در هر تحریمی طبیعی و منطقی است، ولی واقعیت دیگر آن است که مشکلات تحریم (از موانع مالی و اقتصادی تا عدم امکان تبادلات علمی بین‌المللی) عملا امکان بسیاری از فعالیت‌های علمی و توسعه فناوری را در کشور محدود کرد. در فضای پسابرجام به‌تدریج بخشی از محدودیت‌ها برای توسعه فناوری در داخل رفع شد. برجام از این دیدگاه، کمک به شروع انتقال و توسعه فناوری در داخل کشور بود.

۴- امکان همکاری پایاپای و مشارکت جدی و از موضع برابر برای پژوهشگران ایرانی در بسیاری از زمینه‌های علمی و توسعه فناوری فراهم شده است و با امیدی که در سال‌های اخیر گسترش یافت، به اعتبار کیفیت بالای تولیدات علمی پژوهشگران ایرانی (در هر زمینه‌ای که در بالاترین سطح در دنیا تولیدات خود را منتشر کرده‌اند) و همکاری علمی‌ای که اکنون توسعه می‌یابد، فرصتی برای پژوهشگران ایران به منظور مدیریت مشترک پروژه‌های علمی فراهم می‌شود.

۵- بعضی از زمینه‌ها که به صورت فوری در کشور ما به‌عنوان مسائل کلان ملی اولویت بالا دارند و نیاز است تا پاسخ‌های واقع‌بینانه و علمی برای این مسائل یافته شود (مانند مسئله خشک‌سالی، تغییر اقلیم، پهنه‌بندی ریسک مخاطرات طبیعی و خشک‌شدن دریاچه‌هایی مانند ارومیه و هامون) از زمینه‌هایی است که با گشایش‌های اخیر امکان طرح موضوع در قالب استفاده از همکاری مراکز پژوهشی کشورهای پیشرفته یافته و لازم است با گشایش‌های رخ‌داده حتما از توان داخلی برای مسائل ملی راه‌حل‌های درازمدت یافته شود.

ادامه در صفحه ۱۸

یادداشت

چرا رأی به «روحانی»؟

بابک زمانی
رئیس انجمن سکته مغزی

طرح تحول سلامت، از جمله طرح‌های دولت دکتر روحانی در حوزه درمان است. اگرچه طرح ارتقای سلامت هنوز نتوانسته به اهدافی که طراحان آن آرزو داشتند و آرزوی تمام جامعه پزشکی است، برسد و اگرچه این طرح به‌نوعی حاکی از ساده‌دیدن معضلات سلامت بود که اندک‌اندک داشت نگاه عمیق‌تری پیدا می‌کرد، اما به‌هیچ‌وجه این‌طور نیست که آن‌گونه که ادعا می‌شود این طرح تأثیری در بهبود مشکلات درمانی نداشته است. طرح ارتقای سلامت عزم و اراده‌ای بود اجتناب‌ناپذیر در جهت اصلاح بحران سلامت؛ بحران جدی‌ای که پابه‌پای سایر مسائل بحرانی کشور در عمل وجود داشت، اما به چشم نمی‌آمد. نگاهی بود واقع‌گرایانه در احقاق سهم سلامت. اگرچه دریافت‌های بیمارستان‌ها تنها اندکی واقعی‌تر شد و بخش درخور توجهی از پرداخت‌ها را هم هنوز بیمه‌ها به سلامت مقروض هستند، اما بزرگ‌ترین مزیت این طرح آن بود که توانست جایی برای هزینه‌های سلامت در سبد بودجه کشور و در ذهنیت مسئولان باز کند. در دولت قبل که ادعای حمایت از محرومان را داشت، بیمارستان‌های دولتی و آموزشی را خودگردان کرده بودند؛ یعنی این بیمارستان‌ها مجبور بودند خودشان مخارج خود را دربیاورند و دولت هزینه‌ای نپردازد؛ ظالمانه‌ترین رسمی که زیر لعاب توصیه اخلاقی به پزشکان برای دریافت کمتر پنهان شده بود. با این تدبیر یا بی‌تدبیری، پزشکان را که بخش اعظم ایشان به انحای مختلف خود مهم‌ترین قربانی سیستم سلامت بودند برای سال‌ها رودرروی مردم قرار دادند، حال آنکه نحوه رفتار پزشکان هم نتیجه شرایط اجتماعی است و واقعیت آن است که اساسا دریافت پزشکان موضوع مهمی نبود. شاهد بودم بیمارستان‌های دولتی برای خرید ابتدایی‌ترین ملزومات مثل ابتدایی‌ترین داروها و ابتدایی‌ترین امکانات نظیر خرید نان درمانده بودند، اورژانس بیمارستان‌های دولتی آموزشی مالامال از بیماران مبتلا به بیماری‌های سخت شده بود که هیچ مرجع و سرپناهی جز همان بیمارستان‌ها را نداشتند و تخت خالی در بخش‌ها وجود نداشت، درعوض بخش‌های ظاهرا هزینه‌بر برای مبتلایان به سکته مغزی و سایر بیماران ازپاافتاده و بخش‌های عریض‌وطویل و تزیین‌شده این بیمارستان‌ها در اجبار برای خودگردانی و گذران امور اختصاص یافته بود به کارهای لوکس نه‌چندان ضروری مثل زیبایی و چاقی و لیزیک! و کارهای عملی ظاهرا درآمدزا! طنز تلخ قضیه هم اینکه پشت این رویه به‌شدت سرمایه‌دارانه، سیاست‌مدارانی بودند که دم از محرومان زده و سوسیالیست‌ها یا پوپولیست‌های دنیا را در آغوش می‌کشیدند! در دو سال گذشته دولت بخش در خور توجهی از امکانات خود را به درمان بیماری‌هایی اختصاص داد که اگرچه در کوتاه‌مدت و به‌ظاهر تنها هزینه دارند، اما به تعریف سلامت، آن‌هم به واقعی‌ترین معنایش نزدیک‌ترند و البته در درازمدت و در نگاهی جامعه‌نگر بسیار هم سودآورند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

خطر در کمین انتخابات شورای شهر

مصطفی ملکوتی
پژوهشگر

انتخابات شورای شهر تهران در شرایطی برگزار می‌شود که بیش از دوهزارو ۷۰۰ کاندیدا برای ورود به این شورا وجود دارد. این پدیده از ابعاد مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شایسته مطالعه است. شاید بیش از همه از جنبه روان‌شناسی اجتماعی درخور پژوهش باشد؛ اما واقعیتی است که اکنون با آن روبه‌رو هستیم؛ یعنی در این دوره انتخابات شورای شهر تهران شاهد بیشترین تعداد نامزدهای انتخاباتی هستیم. بدیهی است بیشتر این کاندیداها به قصد رقابت انتخاباتی ثبت‌نام نکرده‌اند، زیرا رقابت بین بیش از دو هزار کاندیدا بی‌معناست؛ اما در این نمایش انتخاباتی می‌توانند آرای فامیلی و طایفه‌ای را به خود جذب و کارکرد سیاسی انتخابات را بی‌اثر کنند. به نظر می‌رسد ظرفیت رقابت انتخاباتی در شهر تهران حدود صد نفر باشد، مشروط به اینکه شهروندان فهرست‌وار به کاندیداهای تشکل‌های حزبی و صنفی خود رأی دهند، در غیر این صورت حتی گزینش ۲۱ نفر از میان صد نفر نیز کار دشواری است. حافظه تاریخی ما یادآور تجربه انتخابات دوره‌های گذشته است. حتی در دوره چهارم انتخابات شوراها که بالاترین آمار مشارکت شهروندان تهرانی را در انتخابات شورای شهر داشتیم، افرادی با آرای بسیار پایین وارد شورای شهر تهران شدند. چرا باوجود مشارکت میلیونی شهروندان تهرانی افرادی با متوسط کمتر از ۲۰۰ هزار رأی وارد شورا شدند؟ علت آن پراکندگی بیش‌ازحد آرا در میان کاندیداهای پرشمار بود. توزیع آرا در میان کاندیداهای گمنام با گرایش‌های قومی، فامیلی و طایفه‌ای توجیه می‌شود. فرض کنیم در انتخابات این دوره شورای شهر تهران دومیلیون‌و ۷۰۰ هزار نفر شرکت کنند تا از میان حدود دوهزارو ۷۰۰ نامزد فقط ۲۱ نفر انتخاب شوند، در عمل کمتر از ۲۰۰ کاندیدا کارزار انتخاباتی جدی راه می‌اندازند؛ اما از میان دوهزارو ۵۰۰ کاندیدای باقی مانده هرکدام می‌توانند به‌طور متوسط ۸۰۰ رأی از بستگان سببی و نسبی و دوستان و آشنایان و طایفه خود به دست آورند، در این صورت دو میلیون از آرای مأخوذه بی‌اثر خواهد بود و در عمل مثل این است که ۷۰۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند. به این ترتیب تعجبی ندارد که یک نفر با صد هزار رأی به شورای شهر راه یابد. در این صورت چه توقعی از این شورای شهر ضعیف می‌توان داشت. هنگامی شورای شهر کارآمد و مقتدری خواهیم داشت که اعضای آن با رأی میلیونی و قاطع شهروندان وارد شورای شهر شده باشند، در این شرایط باید از شیوه‌های پوپولیستی دست بشوییم و از هدردادن آرا به نمایندگان گمنام و متفرقه پیشگیری کنیم و اجازه ندهیم علایق فردی جای علایق جمعی را بگیرد، اجازه ندهیم وابستگی‌های قومی و قبیله‌ای جای منافع عمومی را پر کند، اجازه ندهیم از دلبستگی ما به یک طایفه یا گویشی خاص برای نمایش انتخاباتی استفاده شود.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

«هبه» آقای ۴درصدی

راشل آرامیان . دبیر گروه اقتصاد

دغدغه این روزهای محمدباقر قالیباف نظریه‌اش است؛ همان نظریه‌ای که بیش از آنکه مال خودش باشد، در جنبش وال‌استریت شنیده شد. با این تفاوت که مردم حاضر در جنبش آمریکایی ۹۹ را در برابر یک فریاد می‌زدند و در مقابل قالیباف از ۹۶ در برابر چهار سخن می‌گوید. شهردار تهران برای اثبات درستی نظریه‌اش مصداق هم آورده است. او در نخستین مناظره دولت فعلی را دولت چهار درصدی نامید. قالیباف بر آن است تا دولت را به شدت بی‌اعتبار کند. هدف او هم مشخص است؛ صندلی ریاست‌جمهوری! از جنبه سیاسی ماجرا که بگذریم پرسشی اساسی در این بین بی‌پاسخ مانده است. به راستی «خود قالیباف چند درصدی است؟» تا این لحظه قالیباف نه چنین پرسشی را در مناظره‌ها و سخنرانی‌هایش طرح کرده و نه به آن پاسخ داده است. یافتن پاسخ کار ساده‌ای است. با گشتی در میان خبرها می‌توان نشانه‌های زیادی پیدا کرد که بیانگر پاسخ این پرسش است. مهم‌ترین نشانه سخنان روز گذشته سیف، رئیس کل بانک مرکزی است. او از بدهی شش‌هزارمیلیارد تومانی شهرداری تهران به شبکه بانکی خبر داد. در اصطلاح بانکی به این قبیل بدهکاران، دانه‌درشت یا کلان می‌گویند. این واژگان بارها همراه با واژه مفسد برای بابک زنجانی و مه‌آفرید خسروی به کار برده شد. قالیباف در مناظره اول مدعی شد ۹۶ درصد مردم از دریافت وام محروم هستند، درحالی‌که مجموعه تحت امر او سال‌هاست به شبکه بانکی بدهکار است.

ادامه در صفحه ۴

بانک صادرات ایران

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای ۹۶/۲ بانک صادرات ایران

رجوع به صفحه ۱۹

ضمیمه رایگان امروز روزنامه شرق

ویژه استان کردستان

از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

بازگشت همه بسوی اوست

بدینوسیله درگذشت

بانو صدیقه ولی

همسر مرحوم غلامحسین محتشم

را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن بانوی بزرگوار روز جمعه ۹۶/۲/۲۲ از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰ در مسجد حجت‌بن‌الحسن (عج) واقع در خیابان سهروردی برگزار میگردد.

خانواده‌های محتشم، ولی، فراهانی، سپهر بنی اسدی، موقتی نشتا وسایر خانواده‌های عزادار

همراه شو عزیز

همایش بزرگ اصفهانی‌های مقیم تهران

در آستانه برگزاری دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری از هم‌استانی‌های عزیز اصفهانی دعوت می‌شود در گردهمایی انتخاباتی که با حضور نخبگان و شخصیت‌های برجسته و نام‌آشنای اصفهانی و کشوری برگزار می‌شود، حضوری پرشور داشته باشند.

سخنران: آقای سیدحسن مرعشی

زمان: جمعه ۲۲ اردیبهشت ساعت ۱۰ الی ۱۲:۳۰ صبح

مکان: تهران- خیابان شریعتی شمال، ۵۰ متر بالاتر از پل صدر سمت چپ، سالن اجتماعات ستاد دکتر روحانی

ستاد مرکزی دکتر روحانی شورای مشورتی استان اصفهان

معرفی آژانسهای مسافرتی هتلها و مراکز گردشگری

علی بابا ۲۴۵۸۰۰۰۰

www.Alibaba.com

رجوع به صفحه ۲

تلفن تماس جهت درج آگهی ۸۸۱۹۲۸۷۷